

نقش جنسیت در تربیت عبادی اسلام (با تأکید بر همگام‌سازی با مراحل رشد و تحول شخصیت)*

□ محمدناصر رضایی**

□ مجیدطرقی اردکانی***

چکیده

زوج بودن که اساس خلقت انسان بر آن قرار گرفته و امروزه مباحث مربوط به جنسیت به آن اشاره دارد، اهدافی در راستای هدف خلقت انسان دارد؛ روی آوردن خردمندان به سوی خداوند که هدف خلقت انسان است، با پرستش مناسب ذات مقدس ربوبی، امکان پذیر است؛ جنسیت متفاوت، می‌تواند در زمینه‌ها و شرائط چنین پرستشی، دگرگونی و تغییر ایجاد کند که به موجب آن، هر کدام از دو جنس بایست عبادتی با جزئیات و شرائط خاص خودش انجام دهد. پژوهش حاضر، با روش مطالعه کتابخانه‌ای و تحلیل محتوای کیفی، در صدد است به این سؤال پاسخ دهد که آیا در آموزه‌های عبادی اسلام، جنسیت تأثیری دارد یا عبادات برای هر دو جنس، به صورت یکسان تشریح گردیده است؟ در پاسخ به این سؤال، یافته‌های پژوهش حاضر عبارت از: ۱- اصل عبادت و پرستش خداوند، جنسیت‌بردار نیست؛ ۲- به دلیل قابلیت‌های متفاوت فیزیکی و روانی که میان دو جنس وجود دارد، متناسب با فرایند رشد و تحول شخصیت، تفاوت‌هایی میان دو جنس در شرایط کمی و کیفی عبادات وجود دارد؛ این تفاوت‌ها، در سه دوره رشد و تحول شخصیت افراد: دوره «تولد تا هفت سالگی»، دوره «هفت تا یازده سالگی» و دوره «دوازده تا بیست و یک سالگی»، ظهور و بروز می‌یابند.

* تاریخ وصول: ۱۴۰۳/۶/۱۵؛ تاریخ تصویب: ۱۴۰۳/۹/۱۰. این مقاله برگرفته از رساله دکتری با عنوان «تحلیل تربیتی نقش جنسیت متربی در وظائف مربی از دیدگاه فقه تربیتی» است که در جامعه المصطفی ﷺ العالمية دفاع شده است.
** دانشجوی دکتری فقه تربیتی، مجتمع آموزش عالی فقه، جامعه المصطفی ﷺ العالمية، افغانستان (نویسنده مسئول):

nasermo1355@gmail.com

*** گروه فقه تربیتی، مجتمع عالی فقه، جامعه المصطفی ﷺ العالمية، قم، ایران majidtoroghi40@gmail.com

واژگان کلیدی: جنسیت، فقه، تربیت، عبادت و اسلام.

مقدمه

تربیت عبادی که یکی از مهم‌ترین ابعاد تربیت دینی است (ملکی و دیگران، ۱۳۹۰: ۱۰۶)؛ پس از خداشناسی، تنها راهی که سبب سعادت‌مندی و رستگاری است و بهترین وسیله اتصال و ارتباط بنده با خدا و تنها عملی که او را محبوب درگاه حضرت احدیت می‌سازد، بندگی و عبادت خداوند است (شکر الهی، ۱۳۹۶: ۳۵). تربیت عبادی که عباداتی مثل نماز، روزه، خمس، زکات، حج، جهاد، صدقه (عبادات مالی)، ذکر و دعا و تلاوت قرآن را شامل می‌شود، از سه جهت زیر حائز اهمیت است: (۱) عبادات، بخشی از دین مبین اسلام‌اند و بدون تربیت عبادی، تربیت دینی ناقص خواهد بود؛ (۲) عبادات تقویت‌کننده ایمان و مکمل تمامی اعتقادات است؛ بنابراین ادامه تربیت اعتقادی است؛ (۳) تربیت عبادی به منزله ثمره و میوه تربیت اعتقادی است؛ در نتیجه بدون تربیت عبادی، تربیت اعتقادی همانند درخت بی‌ثمر خواهد بود (داودی و دیگران، ۱۳۸۶: ۱۰۸/۲).

بر اساس سه مبنای انسان‌شناسی اسلامی (۱) ماهیت ترکیبی انسان (مؤمنون/۱۴)؛ (۲) هدفمندی خلقت انسان (مؤمنون/۱۱۵)؛ (۳) اراده و اختیار داشتن انسان (انسان/۳)؛ میان دو جنس مذکر و مؤنث، در انسانیت و دستیابی به سعادت و کمالات معنوی که هدف از تربیت دینی و آموزه‌های عبادی اسلام است، تفاوتی وجود ندارد؛ زیرا براساس مبنای اول، هر دو جنس از جسم و روح ترکیب یافته و انسانیت هر دو به روح و نه جسم است؛ به موجب مبنای دوم، هدف از خلقت هر دو جنس، بازگشت به سوی خداوند است و نهایتاً طبق مبنای سوم، هر دو جنس از اراده و اختیار که جنبه ارزشی وجودی انسان است، برخوردارند؛ البته این عدم تفاوت، به معنای تساوی دو جنس در پیمودن راه‌های رسیدن به کمالات انسانی و معنوی نیست؛ چرا که تفاوت‌های فردی نه تنها میان دو جنس بلکه میان افراد یک جنس هم، از نظر متون اسلامی به رسمیت شناخته شده است، قرآن کریم می‌فرماید: «مَا لَكُمْ لَا تَرْجُونَ لِلَّهِ وَقَارًا وَقَدْ خَلَقَكُمْ أَطْوَارًا (نوح/۱۳-۱۴)؛ که به تفاوت‌های فردی از نظر جنسیت (نر و مادگی)، رنگ، شکل و

شمالی، قوت و ضعف (طباطبایی، ۱۳۵۲: ۳۲/۲۰)، تفسیر شده است؛ از اقتضانات مهم این تفاوت‌ها، تفاوت نقش‌های جنسیتی است.

نقش جنسیتی، یکی از مفاهیم اساسی در بحث جنسیت است؛ این مفهوم با عناوینی مانند: «نقش‌های جنسیتی»، جایگاه زن در اسلام»، «تفاوت‌های حقوقی زن و مرد»، «تفکیک جنسیتی» و «تبعیض‌های جنسیتی» و... در پژوهش‌های انجام گرفته مطرح شده، که در ادامه به برخی از مهم‌ترین این پژوهش‌ها اشاره می‌شود:

یزدیان جعفری، در پژوهشی با عنوان «نقش جنسیت در مجازات مجرم» به این نتیجه دست یافته که در نظام حقوقی اسلام، در نوع، میزان، معافیت و اجرای مجازات، تفاوت‌های میان دو جنس وجود دارد (یزدیان جعفری، ۱۳۸۸: ۷۹)؛ همچنان‌که احمدوند و جلیلیان نیز، در پژوهشی به این نتیجه رسیدند که در اجرای مجازات بین زن و مرد تفاوت وجود دارد، مثلاً مجازات زنان در مساحقه و لواط یا زنا کمتر از مردان است، از طرف دیگر، مجازات مردان در سرقت از مال فرزند یا معاف بودن پدر از قصاص در صورت قتل فرزند و یا تهمت زدن پدر به فرزند خود، نسبت به زنان کمتر است (احمدوند و جلیلیان، ۱۴۰۰).

پذیرش تاثیر اعدادی تفاوت‌های جنسی طبیعی در شکل‌گیری نقش‌های جنسیتی در عین انکار جبرگرایی، مهم‌ترین یافته پژوهشی با عنوان «بازنگری نظریه‌های نقش جنسیتی» است (بستان، ۱۳۸۵: ۵). امامی‌راد و مشهدی‌علیپور، با بررسی هفت گروه از روایات به نتایج زیر دست یافته‌اند: تحسین برخی آموزه‌ها و خصوصیات برای جنس خاص، منع از تشبیه به جنس مخالف، تقسیم کار مردانه و زنانه که در روایات یادرفته، منعکس گردیده‌اند و همچنین برخی خصوصیات ذاتی مثل شهوت و حیای بیشتر در یک جنس خاص را دلیل بر آن دانسته‌اند که تفاوت‌های جنسیتی در نقش‌ها و تکالیف از نظر اسلام، یک امر پذیرفته شده و مورد تأیید است (امامی‌راد و مشهدی‌علی‌پور، ۱۴۰۲: ۲۹۹).

از پژوهش‌های فوق و نیز پژوهش‌های دیگری که از باب اختصار به یافته‌های آن‌ها اشاره نشد، این نکته به دست می‌آید که «نقش جنسیت در آموزه‌های عبادی اسلام مخصوصاً همگام‌سازی این آموزه‌ها با مراحل رشد و تحول شخصیت»، از موضوعاتی است که تحقیقی در مورد آن

انجام نشده، یا دست کم نسبت به موضوعات ذکر شده، خیلی کمتر مورد توجه پژوهندگان قرار گرفته است؛ از این رو، پژوهش حاضر این مهم را مورد توجه قرار داده و سعی می‌کند با تفحص در منابع اسلامی به این سؤال پاسخ دهد که: «جنسیت چه تأثیری و نقشی در آموزه‌های عبادی اسلام دارد؟ به سخن دیگر، جنسیت متربی، چه تأثیری در تکالیفی دارد که به عنوان عبادت و پرستش خداوند از سوی شارع مقدس تشریح گردیده‌اند؟»

یافته‌های پژوهش

نگارنده با کندوکاوی که در منابع اصیل دینی، با هدف دست‌یابی به نقش جنسیت در آموزه‌های عبادی اسلام انجام داد، یافته‌های خود را به صورت زیر بیان می‌کند:

نقش، به معنای اثر گذاشتن در روی زمین (دهخدا، ۱۳۷۳: ۱۳/۲۰۰۳۸) یا اثری که روی زمین یا چیزی باقی‌مانده باشد (عمید، ۱۳۸۹، ص ۱۰۲۷)، تأثیر و اثرگذاری است؛ بنابراین «نقش جنسیت در آموزه‌های عبادی اسلام» به معنای «اثر جنسیت متربی بر آموزه‌ها و تکالیف عبادی اسلام» است؛ به این معنی که جنسیت متربی، موجب چه تغییراتی در تکالیف عبادی اسلام می‌شود؟

جنسیت به معنای مرد یا زن بودن، مردی یا زنی (آریانپورکاشانی، ۱۳۸۰، ص ۵۹۰) به حالت و کیفیت جنس، رجولیت و انوئیت افراد (معین، ۱۳۸۷، ص ۳۹۳)، حالت زن، مرد، خنثی یا آندروژن (دو جنسیتی) بودن (ماتسوموتو، ۲۰۰۹، ص ۲۱۶) جنسیت گفته می‌شود.

راغب اصفهانی، کلمه «رب» را در اصل به معنای تربیت و تربیت را هم به ایجاد چیزی به ترتیب و از حالی به حال دیگر تا رسیدن به حد کمال معنی کرده است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ص ۳۳۶). مصطفوی، در مورد معنای رب می‌گوید: اصل در معنای ماده رب، حرکت چیزی به سمت کمال و رفع موانع و نواقص با برطرف کردن ویژگی‌های منفی و افزودن ویژگی‌های مثبت است، به طور خلاصه هر حرکت کمالی که در چیزی متناسب با خودش، شأن و منزلتش صورت بگیرد، تربیت نامیده شده و این ماده بر آن صدق می‌کند (مصطفوی، ۱۳۸۵: ۱۹/۴)، در زبان فارسی، «تربیت» به معنای مثل پروردن، پروراندن، آموختن (دهخدا، ۱۳۷۳: ۵۷۷۶/۴)،

پروراندن، پرورش دادن، ادب و اخلاق را به کسی یاد دادن (عمید، ۱۳۸۹، ص ۳۳۵)، به کار رفته است.

عبادت به معنای اطاعت و انجام کار مورد رضای ربّ (زبیدی، ۱۴۱۴: ۸۳/۵، ذیل ماده «عبد»)، خضوع تعظیم‌گونه در برابر معبود (مصطفی و زیات، ۱۹۸۹: ۵۷۹/۲)، اظهار و نهایت تذلل فقط نسبت به کسی که نعمت به او منتهی می‌شود، یعنی خداوند استحقاق آن را دارد (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ص ۵۴۲)؛ اما در اصطلاح فقهاء، عبادت عبارت است از: عملی که به قصد قربت و نزدیکی به سوی خداوند (مشکینی، بی‌تا، ص ۳۶۶) انجام می‌گیرد یا هر فعلی که جز با نیت تعظیم خداوند، واقع نمی‌شود (شریف مرتضی، ۱۴۰۵: ۲۷۸/۲). تعریف دقیق‌تر عبادت آن عبارت است: عبادت نهایت تعظیم و تذلل در برابر کسی است که مستحق آن باشد، اما با افعالی که در شرع مقدس انجام آن‌ها با جهات و شرائط خاصی که در عبادیت یک عمل معتبر است، وارد شده (همان). با توجه به معانی تربیت و عبادت، می‌توان تربیت عبادی را به این صورت تعریف نمود: آموزش اعمالی که قصد قربت و انجام فرمان الهی، شرط صحت آن‌ها است و نیز تلاش برای ایجاد روحیه پرستش و نیایش در مرتبی، به گونه‌ای که به انجام مناسک و تکالیف عبادی متعهد شود (اعرافی و موسوی، ۱۴۰۰، ص ۵۸).

نقش جنسیت مترّبی در تربیت عبادی

در اسلام محوری‌ترین تجلیگاه تمایزهای جنسیتی، در تربیت عبادی و احکام فقهی است؛ هرچند با سنّ تکلیف متفاوت میان دو جنس، این تمایزها رسماً شروع می‌شود؛ اما در واقع از آغاز کودکی و قبل از سنّ تکلیف نیز، رعایت اصول و روش‌های تربیتی متفاوت میان دو جنس، در متون اسلامی سفارش شده است که به عنوان آمادگی مناسب و کامل هر دو جنس، برای انجام تکالیف متفاوت خودشان، بعد از رسیدن به تکلیف، بایست انجام بگیرند.

نقطه مرزی جنسیت در تربیت چه زمانی است؟ قرآن کریم در دعوت‌ها و سفارش‌هایش به عبادت میان دختران و پسران، فرقی قائل نشده؛ هر جا سخن از دعوت به عبادت به میان آمده، معمولاً مخاطب یا مخاطبان از جنس مذکر اند، که نظر مفسران این است که از باب تغلیب

جنس مذکر بر مؤنث بوده و الا هدف قرآن هردو جنس است؛ به عنوان نمونه حدود شانزده مورد در قرآن کریم خطاب عام: «أَقِيمُوا الصَّلَاةَ» (بقره/۴۳)¹، آمده با ضمیر جمع مذکر و تنها یک مورد: «اقمن» ضمیر جمع مؤنث آمده، که در آن هم هیچ اشاره‌ای به فرقی میان نماز زنان و مردان نشده است؛ نسبت به روزه نیز، فقراتی مانند: «كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ» (بقره/۱۸۳)، «اتِمُّوا الصِّيَامَ» (بقره/۱۸۷)، «أَنْ تَصُومُوا» (بقره/۱۸۴) نازل شده که در همه ضمایر مذکر آمده؛ اما شامل هردو جنس می‌شود، جز آیه «أَجَلٌ لَكُمْ لَيْلَةَ الصِّيَامِ الرَّفْتُ» (بقره/۱۸۷) که مخاطبش فقط جنس مذکر است و «إِنِّي نَذَرْتُ لِلرَّحْمَنِ صَوْمًا» (مریم/۲۶) که مخاطبش فقط جنس مؤنث است؛ در این دو آیه نیز، هرچند مخاطب یک جنس خاص است، اما در آیه اول، هدف اصلی روزه نیست، بلکه هدف رابطه خاص با همسران است، در آیه دوم نیز، منظور از صوم روزه سکوت است، نه روزه به عنوان عبادت متعارف.

در روایات نیز، همانند قرآن کریم وقتی سخن از دعوت کودکان به عبادت یا عبادت خاص است، به خصوص عباداتی که به صورت تمرین و عادت دهی کودکان مطرح شده‌اند، تمایزی میان دو جنس دیده نمی‌شود؛ چرا که معمولاً با عناوین مذکر به عبادت دعوت نموده‌اند که می‌توان آن‌ها را حمل بر تغلیب نموده و مدعی شد که شامل هردو جنس می‌شود؛ مانند: «خُذُوا عَنِّي مَنَاسِكُكُمْ» (ابن ابی جمهور، ۱۴۰۵: ۳۴/۴)، «صَلُّوا كَمَا رَأَيْتُمُونِي أُصَلِّي» (مجلسی، ۱۴۰۳: ۲۷۹/۸۲) که هردو جمله از رسول‌گرامی اسلام (ص) نقل شده و هردو جنس را شامل می‌شود؛ روایات نماز و روزه، عمدتاً تعبیر «صبیان» دارند، نه «صبیه» یا «صبیات» و نه «بنت» یا «بنات»؛ ولذا هردو جنس مخاطب هستند. علت تشابه خطاب به هر دو جنس در مسائل عبادی در متون اسلامی، این است که همانندی‌های دو جنس، به مراتب بیشتر از تمایزهای جنسیتی است (نوابی نژاد، ۱۳۸۵: صص ۲۹-۳۰)؛ البته کثرت همانندی‌ها به معنای همانندی کامل نیست. بنابراین، به دلیل تمایزهای فیزیکی و روانی که میان دو جنس است، در شریعت مقدسه اسلامی با ملاحظه همین تمایزها، احکام عبادی متفاوتی برای دو جنس جعل و تشریح گردیده است که لازمه قطعی آن این است که در تربیت دختران باید هم از محتوای متفاوت و

هم از روش‌های متفاوت در آموزش احکام ویژه آنها، استفاده کرد؛ این تفاوت‌ها و تمایزها و نیز مشترکات میان دو جنس، در ضمن بیان مراحل رشد توضیح داده می‌شود:

همگام‌سازی مراحل رشد و تربیت عبادی جنسیت محور

از آن‌جا که شناخت و جنسیت به عنوان دو عامل مؤثر در نحوه عبادت شخص و تربیت عبادی نقش دارد، لازم است تربیت عبادی متناسب با فرایند رشد و تحول شناختی متربی و نیز جنسیت آن، انجام گیرد؛ از این رو نگارنده به مقدار وسیع و یافته‌های خودش، سعی در همگام‌سازی تربیت عبادی با مراحل رشد و ملاحظه جنسیت نموده تا والدین و سایر مربیان بتوانند تربیت عبادی متربیان را متناسب با آن، انجام دهند.

مرحله طفولیت و کودکی اول: زمینه‌سازی عبادت و بندگی (از تولد تا سال چهارم زندگی)

این مرحله، به دو دوره تولد تا هجده‌ماهگی و هجده‌ماهگی تا سال چهارم زندگی تقسیم می‌شود؛ در دوره اول که دوره شیرخوارگی و دوره پرستاری از کودک نیز نامیده می‌شود، مأموریت مربی این است که محیط مناسب برای رشد کودک فراهم کند (شکوهی، ۱۳۸۵، ص ۱۱۷)؛ برای این مرحله یعنی دوره طفولیت و نوزادی، سفارش عبادی مستقیمی نسبت به تربیت نوزاد در متون اصلی دین مبین اسلام نداریم؛ اما دستورالعمل‌های تربیتی برای دوره شیرخوارگی نوزاد در روایات بیان شده‌اند که اگر والدین و مربیان رعایت کنند، در کسب قابلیت و استعدادیابی نوزاد و متربی برای عبادت سالم مفید است؛ مانند روایاتی که هنگام تولد نوزاد به گفتن اذان در گوش راست و اقامه در گوش چپ نوزاد سفارش نموده‌اند (کلینی، ۱۴۰۷: ۲۳/۶)، این گونه روایات مشتمل بر دستورالعمل‌های تربیتی است که در آماده شدن نوزاد برای عبادت و پرستش سالم خداوند اثرگذار است.

در دوره کودکی اول و در حدود دو سالگی که کودک‌کان معنی برخی کلمات را درک نموده و اولین کلمات را به زبان می‌آورند (برک، ۱۳۹۰: ۳۰۱/۱)، برخی روایات به آموزش بعضی از مفاهیم دینی سفارش نموده‌اند؛ مانند روایتی که از امام باقر یا امام صادق (ع) نقل شده: وقتی کودک به سه سالگی رسید، به او گفته شود، هفت مرتبه «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» بگو، وقتی به سه سال

و هفت ماه و بیست روزه‌گی رسید، به او گفته شود، هفت مرتبه بگو: «مُحَمَّدٌ رَسُوْلُ اللهِ»، پس از آن که چهار سالگی را کامل کرد، به او گفته شود، هفتمه مرتبه بگو: «صَلَّى اللهُ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ» (ابن بابویه، ۱۴۱۳: ۱/۲۸۱)؛ براساس این روایت از سه‌سالگی تا پایان چهار سالگی زمان آموزش شهادتین است که از اولین و ضرورین‌ترین ذکرهای عبادی است؛ بدیهی است که این آموزش‌ها هرچند به حسب ظاهر عبادی‌اند؛ اما واقعاً عبادت نیست؛ بلکه آمادگی برای عبادت بهتر در بزرگسالی و پس از تکلیف است.

در ادامه این مرحله، کودکی دوم قرار دارد که در نظریه رشدشناختی پیاز، مرحله پیش عملیاتی،^۱ نامیده شده و از دو تا هفت سالگی ادامه دارد؛ در کودکی دوم واضح‌ترین تغییر، افزایش در فعالیت بازنمایی ذهنی یا نمادی است؛ زبان، انعطاف‌پذیرترین وسیله بازنمایی ذهنی ماست؛ زبان، با جدا کردن فکر از عمل، تفکری بسیار کارآمدتر از قبل را امکان‌پذیر می‌کند؛ زمانی که در قالب کلمات فکر می‌کنیم، بر محدودیت‌های تجربیات لحظه‌ای خود چیره می‌شویم، می‌توانیم در یک زمان به گذشته، حال و آینده پرداخته و مفاهیم را به شیوه منحصر به فردی ترکیب کنیم (برک، ۱۳۹۰: ۱/۳۹۸).

در کنار تأکیداتی که از ائمه معصومین (ع) نسبت به بازی با کودکان در هفت سال اول زندگی آنان وارد شده، سفارش‌های ویژه‌ای نیز، نسبت به تربیت عبادی کودکان داشته‌اند؛ برای دوره کودکی اول، یعنی چهار سال اول زندگی، آموزش شهادتین مورد تأکید معصومین (ع) است که با پیش از این بیان شد، اما نسبت به کودکی دوم که از چهار تا حدود هفت سالگی را دربر می‌گیرد، ائمه (ع) با در نظر گرفتن نقش تدریج در تربیت عبادی، سطح بالاتر از آموزش شهادتین را مورد توجه قرار داده، می‌فرمایند: وقتی فرزند شما پنج سالش کامل شد، از او سؤال کنید سمت راست و چپش را معرفی کند، اگر توانست پاسخ صحیح بدهد، صورتش به طرف قبله چرخانده شود و به او گفته شود: «اسْجُدْ»، بعد به حال خودش رها شود تا هفت سالش کامل شود و پس از کامل شدن هفت سالگی، به او گفته شود که صورت و هردو دستش را بشوید، وقتی این کار انجام داد، گفته شود: «صَلِّ» (ابن بابویه، ۱۴۱۳: ۱/۲۸۱)؛ تا این جا و

1. preoperational STAGE.

هفت سالگی، آموزش عبادت به صورت رسمی شروع نشده، در مرحله اول آموزش صرفاً شهادتین است (نه شهادتین در ضمن نماز)، در پنج سالگی آموزش رو به قبله قرار گرفتن و سجده کردن است (نه سجده در ضمن نماز)، با اتمام هفت سالگی، آموزش شستن صورت و دست‌هاست و گفتن این که نماز بخوان، اما هنوز هم وضوء و نماز تام و رسمی نیست، بلکه حالت تمرین و آشنایی دارد.

بنابراین با چشم پوشی از ضعف سندی روایات، به دلیل تسامح در ادله سنن و تعدد روایات هم معنی، می‌توان به رجحان و استحباب آموزش‌های عبادی به صورت تمرینی و به منظور آشنایی و انس‌گیری کودکان سه تا هفت سال با مناسک و عبادات اسلامی، حکم نمود؛ اما این آموزش‌ها هم نباید مانعی برای بازی کودکان باشد؛ چرا که با توجه به نیاز شدید کودکان این دوره به بازی به لحاظ روانی و تأیید آن با قول و فعل معصومین (ع)، معلوم می‌شود که رسالت این هفت سال اول زندگی، رشد روانی و فیزیکی کودکان با بازی و فعالیت‌های حرکتی کودکان است. با روشن شدن وظیفه مربیان نسبت به تربیت عبادی مترئیان در هفت سال اول زندگی، این سؤال مطرح می‌شود که آیا میان دختران و پسران در تربیت عبادی این هفت سال از نظر شرع مقدس اسلام، تفاوتی هست یا خیر؟

پاسخی که می‌توان به این سؤال داد این است که عمده توصیه‌های ائمه نسبت به عبادت دختران و پسران، در این دوره مشترک است، تنها در چند مورد سفارش‌هایی ناظر به فرزند دختر یا پسر برای فرزند پسر وجود دارد، که برخی از آن‌ها عبارت‌اند از: ۱- تعیین نام دخترانه‌ای برگرفته از نام‌های زنان بزرگ منسوب به معصومین (ع)، مخصوصاً فاطمه زهراء (س)، برای فرزند دختر و نام پسرانه منسوب به یکی از معصومین مخصوصاً رسول‌گرامی اسلام (ص) برای فرزند پسر؛ ۲- تأکید بیشتر به آموزش سوره نور برای فرزند دختر و اجتناب از آموزش سوره یوسف به آن؛ البته این تفاوت جنسیتی اختصاص به این دوره ندارد، روایت اطلاق دارد و می‌تواند این دوره و دوره‌های بعد را شامل شود؛ سفارش ویژه آموزش سوره نور برای فرزند دختر (کلینی، ۱۴۰۷: ۶/ ۴۹)، به لحاظ تربیتی می‌تواند بیان‌گر تأثیر جنسیت و دختر بودن در عبودیت و بندگی خداوند باشد؛ زیرا تنها آیه سی و یک این سوره مشتمل بر چند حکم از احکام

ویژه بانوان است؛ عفت چشم، عفت دامن، عفت بدن با آشکار نکردن زینت و پوشیدن روسری، معرفی مردان محرم و نامحرم؛ پس سفارش ویژه آموزش این سوره برای فرزند دختر، در دوره‌های مختلف از جمله هفت سال اول زندگی، مسلماً بارجنسیتی دارد و این تأکید مخصوص فرزند دختر است؛ از آن طرف از آموزش سوره یوسف به فرزند دختر منع شده است (همان)؛ چون در این سوره، سخن از عشوه‌گری‌های زنان مصر برای جلب توجه حضرت یوسف (ع) به میان آمده، که آموزش آن می‌تواند مقدمه‌ای باشد برای میل و گرایش به سوی بی‌عفتی زنان، این فراز روایت هم اطلاق دارد، منع از آموزش این سوره در دوره‌های مختلف رشد از جمله هفت سال اول زندگی را شامل می‌شود و این تأکید نیز، به دلیل این که نسبت به فرزند دختر صراحت دارد، بارجنسیتی دارد و مربیان مخصوصاً والدین را موظف به رعایت این امور تربیتی می‌کند؛ بدیهی است با ملاحظه اینکه از آموزش مثل سوره یوسف که کلام خداوند است، به عنوان مقدمه احتمالی ابتلاء دختران به حرام منع گردیده، تکلیف مربیان برای دور ساختن فرزندان دخترشان از مقدمات بی‌عفتی روشن است، البته یادآوری این نکته ضروری است که هرچند شاید به دلیل مشکلات سندی، نتوان با استفاده از این روایت به وجوب آموزش سوره نور و یا حرمت آموزش سوره یوسف به دختران حکم نمود، اما رجحان کلی آموزش سوره نور برای دختران و مرجوحیت کلی آموزش سوره یوسف به آن‌ها، محتمل است.

مرحله آموزش‌های ابتدایی (هفت تا یازده سالگی)

این دوره که برخی آن را کودکی سوم نامیده‌اند (شکوهی، ۱۳۸۵، ص ۱۵۴)، از شش، هفت سالگی شروع می‌شود و تا قبل از مرحله بلوغ جسمی فرد (یازده تا دوازده سالگی) ادامه دارد (سیف و دیگران، ۱۳۸۰، ص ۱/۲۳۴).

ابتدای این دوره که در نظام آموزش و پرورش به دوره ابتدایی معروف است، برای بیشتر کودکان با ورود به مدرسه آغاز می‌شود، از این رو، برخی نویسندگان این دوره را دوره تعلیمات یا آموزش‌های ابتدایی نامیده‌اند (شکوهی، ۱۳۸۵/۱۵۴). ورود به مدرسه در ابتدا، اکثر کودکان را دچار نوع عدم تعادل می‌کند و سازگاری آنها را با نیازها و انتظارات جدید همراه می‌سازد و

آنها را از لحاظ عاطفی با آشفستگی رو به رو می‌کند، ورود به مدرسه و کلاس، کودک را آماده می‌سازد تا بسرعت تغییراتی در نگرش‌ها، ارزش‌ها و رفتارها خود ایجاد کند. این دوره از دیدگاه والدین، معلمان، مربیان و روانشناسان از ویژگی‌های خاصی برخوردار است؛ پردردسر و پرزحمت بودن برای والدین، به دلیل عدم دقت کودکان این دوره (مخصوصاً پسران) در حفظ و نگهداری اشیای مربوط به خود و بی‌توجهی نسبت به ظاهر، از ویژگی‌های کودکان این دوره از دید والدین است (سیف و دیگران، همان).

در روایات اسلامی نیز، دو ویژگی مهم برای این دوره بیان شده، که عبارت‌اند از: الف: اطاعت و فرمان‌پذیری؛ ب: تعلیم و تربیت؛ هرچند کودکان در دوره‌های دیگر هم کم و بیش اطاعت‌پذیری دارند، اما اطاعت‌پذیری کودکان در این دوره آن مقدار نسبت به دوره دیگر غلبه دارد، که رسول‌خدا (ص) ویژگی این دوره را «عبد» بودن عنوان نموده، هم‌چنان‌که دوره قبل را به دلیل خود محوری بیشتری که کودک دارد، دوره «سیادت» نامید (طبرسی، ۱۴۱۲: ۲۲۲).

آموزش‌های عبادی برای کودکان این دوره چیست؟ و جنسیت در آن‌ها چه نقشی دارد؟ سؤال‌هایی است که بایست این پژوهش پاسخ‌گویی آن باشد.

آموزش قرآن کریم: قرآن کریم که هدایت‌گر صامت به اطاعت و بندگی خداوند است، قرائت آن طبق روایات متعدد عبادت بوده و بهترین پاداش‌ها برای قاریان و تالیان آن در این روایات بیان شده است؛ در روایت، به نقل از رسول‌گرامی اسلام (ص) آمده: بهشت مشتاق دیدار چهار نفر است، سومین این چهار نفر تلاوت کننده قرآن کریم است (نوری، ۱۴۰۸: ۷/ ۴۰۰)، به فرموده امام صادق (ع)، پاداش جوان مؤمن قاری قرآن عبارت است از: ۱- خداوند، او را سفیران کریم و نیکوکار (که منظور انبیاء و فرستادگان الهی است) قرار می‌دهد؛ ۲- قرآن، روز قیامت از او دفاع می‌کند؛ ۳- با ندای قرآن خداوند دو پوشش از زیور آلات بهشتی به او می‌پوشاند؛ ۴- خداوند تاج کرامت بر او می‌نهد و تارضایت قرآن، به پاداش دادن به این جوان ادامه داده می‌شود (کلینی، ۱۴۰۷: ۲/ ۶۰۴). بنابراین، آموزش قرآن کریم مانند سایر عبادات یک ضرورت دینی است، آموزش آن توسط اولیاء و مربیان مخصوصاً والدین و مربیان، سایر افراد و نیز کودکان در این دوره آموزشی، مورد تأکید و توصیه متون دینی قرار گرفته است؛ به

عنوان نمونه به برخی از سخنان معصومین (ع) و سیره عملی آن حضرات بسنده می‌گردد:

براساس سخنی از رسول خدا (ص) به کسی که به فرزندش قرآن بیاموزد، ثواب ده هزار حج، ده هزار عمره، ده هزار آزادی بنده‌ای از فرزندان اسماعیل، شرکت در ده هزار غزوه، اطعام ده هزار مسلمان مسکین گرسنه، پوشاندن ده هزار مسلمان برهنه، داده می‌شود، افزون بر این، برای هر حرفی که آموزش می‌دهد، ده حسنه در نامه اعمال او ثبت می‌شود و ده گناه از نامه اعمال او محو گردیده و قرآن در قبر با او می‌ماند تا دوباره زنده شده و نامه عملش سنگین گردیده و با سرعت برق سریع، از پل صراط عبور کند و قرآن از او جدا نمی‌شود تا از کرامت الهی به بهترین چیزی که آرزویش را داشت برسد (شعیری، بی‌تا: ۴۹؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ۱۸۷/۸۹).

در روایت دیگر امام صادق (ع) می‌فرماید: «كَانَ يَجْمَعُنَا؛ پدرم ما را جمع می‌کرد» قرار گرفتن «کان» بر فعل مضارع «یجمعنا» مفید استمرار است؛ یعنی پیوسته پدر ما را جمع می‌کرد و ما را تا طلوع شمس، به ذکر و یاد خدا امر می‌کرد؛ به این صورت که کسی را که می‌توانست قرآن بخواند، به خواندن قرآن امر می‌کرد و آن‌هایی را که نمی‌توانستند قرآن بخوانند به ذکر و یاد خدا امر می‌کرد (حرعاملی، ۱۴۰۹: ۱۹۹/۶)؛ در روایت دیگر دارد که عبدالرحمن سلمی به فرزند امام حسین (ع) سوره حمد را آموزش داد و وقتی که آن کودک سوره حمد را نزد پدرش امام حسین قرائت کرد، حضرت به عبدالرحمن سلمی هزار دینار و هزار حله داد و دهان او را از درّ پر نمود، وقتی به امام گفته شد که این مقدار پاداش خیلی زیاد است، حضرت فرمود که این بخشش من کجا و آن اعطای او، یعنی آموزش دادن یک سوره حمد کجا؟ (ابن شهر آشوب مازندرانی، ۱۳۷۹: ۶۶/۴)؛ نکات تربیتی مفید در این سه روایت عبارت است از:

یک: در هر سه روایت سخن از آموزش قرآن به فرزند و امر فرزندان به خواندن آن است؛ پس متن آموزشی و تربیتی قرآن است، مربّی یا خود پدر یا شخص دیگری است که از تشویق ویژه امام (ع) برخوردار می‌گردد، از متربی هم در دو روایت اول و سوم به «ولد» تعبیر شده و در روایت عبارت «یجمعنا» آمده که متکلم مع الغیر است، یعنی خود راوی و سایر برادران و خواهرانش، پس مجموع این سه روایت یک رابطه کاملاً تربیتی را بیان می‌کند که در آن آموزش قرآن به متربیان توسط والدین یا معلمان مورد تأکید و تشویق قرار گرفته است.

دو: در هر سه روایت تعبیر «ولد» وارد شده است. با این تفاوت که در دو روایت اول و سوم، خود لفظ «ولد» به کار رفته و در روایت دوم ضمیر «نا» در «یجمعنا» که مقصود از آن هم فرزندان معصومی است که این سیره تربیتی را داشته که امام زین العابدین (ع) باشد؛ از این تعابیر، مخصوصاً با قرینه روایت سوم که فقط متضمن آموزش سوره حمد است، استفاده می‌شود که متریبان این آموزش‌ها، در سنین تقریبی کودکان دوره سوم بوده‌اند.

سه: عبارت «کان یجمعنا» بیانگر سیره تربیتی است که پیوسته ما را برای ذکر خدا و خواندن قرآن جمع می‌کرد، نه رفتاری که گه‌گاهی یا یک مرتبه دو مرتبه انجام می‌گیرد؛ پس طبق روایت دوم، سیره تربیتی امام زین العابدین (ع) و امامان قبلش این بوده که فرزندان‌شان را صبح‌گاهان قبل از طلوع شمس جمع نموده و آن‌ها را به ذکر و یاد خدا، از جمله خواندن قرآن کریم تا طلوع شمس، امر می‌کرده‌اند.

آموزش نماز و روزه: از جمله توجهات ویژه معصومین نسبت به کودکان دوره دوم، سفارش به آموزش نماز و روزه است؛ روایات آموزش نماز و روزه، با تعابیر مختلف وارد شده که عبارت‌اند از: «وقتی که کودک قدرت تعقل پیدا کرد و توانست مقداری از قرآن را قرائت کند، نماز به او آموزش داده شود» (ابن حیون، ۱۳۸۵: ۱/۱۹۳؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ۸/۱۳۳)، «وقتی که کودک به حد «حُلْم» یعنی نزدیک به بلوغ جنسی رسید، نماز را به آن‌ها آموزش دهید» (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰، ص ۱۷۵)، «وقتی که به هشت سالگی رسید، به آموزش نماز آن‌ها اقدام کنید» (ابن بابویه، ۱۳۶۲: ۲/۶۲۶؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ۱۰/۱۰۵).

تعقل و شناخت نماز: رسیدن به حد بلوغ جنسی؛ هشت سالگی؛ توانایی شناخت نماز و توانایی روزه گرفتن؛ مؤاخذه تأدیبی ترک روزه در صورت درک و شناخت روزه؛ هفت سالگی برای نماز و نه سالگی برای روزه؛ نه سال کامل برای وضوء و نماز و تأدیب در صورت ترک؛ این عناوین معیارهایی است که در روایات یادرفته، به عنوان معیاری‌های برای شروع آموزش عبادات مثل نماز و روزه بیان شده، که هر چند ابتداءً متفاوت و مختلف به نظر می‌رسند؛ اما با دقت معلوم می‌شود که همگی بیان تقریبی از قابلیت کودک برای آموزش پذیری نماز و روزه است؛ زیرا تعقل و شناخت نماز و روزه، جنبه شناختی آن قابلیت را بیان می‌کند و سنین هفت

تا نه سالگی جنبه رشد و تحول زمانی آن را معرفی می‌کند؛ بنابراین کودکی سوم یا سنین هفت تا یازده سالگی بر حسب روایات، مقطع سنی است که باید در آن نماز و روزه با انواع و اقسامی که دارد، با جزئیات و شرایط خاص خود، به کودکان آموزش داده شود.

سؤالی که در این مرحله نیازمند پاسخ است این است که براساس آموزه‌های دینی چه تفاوتی در آموزش‌های عبادی این مرحله میان دختران و پسران است، به عبارت دیگر نقش جنسیت در این آموزش‌های عبادی چیست؟

پاسخی که می‌توان داد این است که در این مرحله یعنی کودکی سوم و مرحله دوم از مراحل رشد، از نظر آیات میان دو جنس در عبادات یاد شده و غیر آن‌ها فرقی نیست؛ اما بر حسب روایات و فتاوی فقهاء تمایز جنسیتی به صورت رسمی در این مرحله آغاز می‌شود؛ نه به این معنی که اصل عبادتی که هر کدام از دو جنس انجام می‌دهد، متفاوت از دیگری باشد؛ یعنی نماز و روزه، دعاها و ذکرهای دخترانه و پسرانه داشته باشیم، بلکه به این معناست که تمایزهای فیزیکی و روحی و روانی که میان دو جنس وجود دارد، در برخی عبادات و یا برخی از اجزاء و شرایط آن‌ها موجب تفاوت‌های میان دو جنس می‌شود؛ که مهم‌ترین این تفاوت‌ها شروع سن تکالیف الزامی است؛ براساس روایات و فتاوی فقهاء شروع این تکالیف برای دختران از این مرحله و برای پسران از مرحله بعد است؛ دختران در حالت طبیعی و شرایط معمولی با اتمام نه‌سال قمری، مکلف به تکالیف الزامی می‌شوند، در حالی که پسران با کامل نمودن پانزده سال قمری، به این تکالیف ملزم می‌شوند.

با بررسی آیات مربوط به بلوغ روشن شد که قرآن کریم به نشانه‌های طبیعی بلوغ یعنی مرحله توانایی کافی برای ازدواج، تکیه نموده و از آن‌جا که در تحقق این توانایی، عوامل و شرایط متعددی دخالت کامل دارند، زمان بلوغ نیز متغیر خواهد بود؛ ولذا، در قرآن سن خاصی برای آن تعیین نشده، همچنین در این آیات، بین بلوغ پسران و دختران فرقی گذاشته نشده و در تمامی موارد از الفاظ عام و مطلق مانند «یتیم» و «اطفال» بهره‌گرفته شده که نسبت به هر دو جنس به صورت یکسان اطلاق می‌شود (فهرستی، ۱۳۸۶، ص ۱۸۱).

حال که تفاوت جنسیتی در این مرحله مشخص شد، مرئیان تربیتی و مخصوصاً والدین با

در نظر گرفتن این تفاوت، در تربیت عبادی کودکان این دوره بایست نکات زیر را مورد توجه قرار دهند:

آن دسته از عبادات واجبی که تا سنّ نه‌سالگی برای کودکان هر دو جنس حکم استحباب را داشت؛ با رسیدن دختران به سن نه‌سالگی، آن عبادات همانند بزرگسالان محکوم به حکم وجوب است؛ بنابراین بایست به این دختران آموزش داده شود که تا حالا می‌توانست آن عبادات را گاهی انجام ندهند، اما بعد از این مجاز نیستند بدون عذر شرعی آن‌ها را ترک کنند.

اقتضای این انتظارات این است که تعامل اطرافیان و مربیان با این شخص بایست نسبت به قبل از بلوغ فرق داشته باشد؛ همانطور که در روایات آمده است که کسی که کودکی دارد باید با او کودکی کند؛ یعنی در تعامل با او، کودکانه رفتار کند؛ همین طور هم کسی که فرزند بالغی دارد، بایست با او رفتار بالغانه صورت گیرد؛ تعامل و رفتار والدین و مربیان دیگر، با دختر نه‌ساله و پسر نه‌ساله بایست متفاوت باشد؛ با دختر نه‌ساله و بالغ رفتار بزرگانه‌تر بایست صورت بگیرد تا پسر نه‌ساله و غیر بالغ؛

مرحله نوجوانی (دوازده تا حدود بیست و یک سالگی)

در آغاز نوجوانی، تغییرات بلوغ با سرعت متفاوت با مراحل قبل شروع شده و در ۱۴ تا ۱۶ سالگی، تقریباً این تغییرات کامل شده و در اواخر نوجوانی یعنی ۱۶ تا ۱۸ سالگی، نوجوان به طور کامل ظاهر بزرگسالی را کسب نموده و انتظار دارد نقش‌های بزرگسالی را به عهده بگیرد (برک، ۱۳۸۹: ۶/۲-۷)؛ به طور کلی، ویژگی‌های این دوره را می‌توان به این صورت بیان نمود: رشد جسمی سریع؛ انتقال از فکر انضمامی به فکر انتزاعی؛ آشفته‌گی شخصیتی؛ ظهور غافگیرانه علائم جسمی و روانی بلوغ جنسی؛ سرگردانی عاطفی؛ تقلید از نمونه‌ها و سرمشق‌ها؛ بی‌اعتمادی نسبت به افرادی که قبلاً به آن‌ها اعتماد داشت؛ بی‌حوصلگی و یاغی‌گری؛ افزایش علایق و رغبت‌ها؛ در خود فرورفتگی و پناه بردن به عالم تخیلات؛ ظهور تفاوت‌های فردی؛ ذهن پرسشگر و پاسخ‌یابی شخصی و بالأخره استقلال طلبی (شکوهی، ۱۳۸۵، صص ۱۷۸-۱۷۹).

در میان ویژگی‌های یادرفته، برخی از آن‌ها، ویژگی‌هایی هستند که کار تربیتی مربیان را دشوار ساخته و اگر پاسخ مناسب و در خوری از سوی مربیان با این ویژگی صورت نگیرد، فرایند تربیت از حال و وضع تربیت سالم خارج شده و ممکن است شکل ناسالم و چه بسا مخربی به خود بگیرد؛ به عنوان مثال مربیانی که قبلاً و تقریباً صد درصد مورد اعتماد کودک بودند، در دوره نوجوان نسبت به آن‌ها حالت بی‌اعتمادی پیدا می‌کند و مربی که قابل اعتماد نباشد، نمی‌تواند اثرگذار باشد.

شاید بتوان گفت با توجه به ویژگی‌های یادشده از نوجوان، کلیدی‌ترین واژه تربیتی را رسول‌گرامی اسلام (ص) به عنوان راهکار مناسب و شایسته تربیتی این دوره به کار برده که واژه «وزیر» است: «وَزِيرٌ سَبْعَ سِنِينَ» (طبرسی، ۱۴۱۲: ۲۲۲)؛ پیامبر (ص) این واژه را اولاً: برای یک دوره هفت ساله به کار برده، نه به عنوان یک رفتار که زودگذر باشد؛ بلکه به عنوان یک منش و سیره‌ای که مربی، بایست به مدت هفت سال پذیرای حالت وزارت نوجوان باشد؛ ثانیاً: حضرت هیچ قیدی برای آن بیان نکرده که باید مربی در روند تربیتی این دوره آن‌ها را در نظر داشته باشد؛ بنابراین تربیت وزارت‌گونه، عرصه‌ها و ساحت‌های مختلف تربیتی را شامل می‌شود؛ ساحت اعتقادی، عبادی، عاطفی، جسمی، جنسی، اجتماعی، سیاسی و... .

اکنون باتوجه به موضوع این پژوهش، این سؤال مطرح می‌شود: در دوره نوجوانی چه تفاوت‌هایی میان دختران نوجوان و پسران نوجوان وجود دارد؟

بلوغ جنسی متفاوت، از مهم‌ترین مسائل جنسیتی در رشد جسمی نوجوان است؛ بلوغ جنسی دخترها که با نخستین قاعدگی شروع می‌شود، معمولاً در حدود ۱۲/۵ تا سیزده سالگی به حسب جغرافیای متفاوت واقع می‌شود، اما دامنه سنی آن از ۱۰/۵ تا ۱۵/۵ سالگی در نوسان است؛ در حالی که نخستین انزال در پسرها، معمولاً ۱۳/۵ سالگی و در دامنه سنی ۱۲ تا ۱۶ سالگی انجام می‌گیرد (برک، ۱۳۸۹: ۱۱-۱۲)؛ هرچند این یافته‌ها مربوط به کشورهای خاصی است، اما از تفاوت‌های جنسیتی حکایت دارد که مسلماً میان دخترها و پسرهای همه کشورها با میانگین سنی متفاوت وجود دارد.

جنسیت و جستجوی هویت؛ به نظر اریک اریکسون (۱۹۵۰) نوجوانی مرحله‌ای است که

در آن بحران اصلی رشد و تحول، جستجوی هویت است؛ هویت بزرگسالی برای مردان تا حدی با شغل تعیین می‌شود (آن گریست، ۱۹۶۹)، پسر نوجوان دغدغه‌اش این است که من باید دوره‌های علمی را بگذرانم و برای این که مثلاً دکتر شوم باید دانشجوی مسئولی باشم، اما در مورد دختران نوجوان این فرایند متفاوت است، دختران به لحاظ سنتی انتظار ندارند که فعالیت خارج از منزل منشأ اصلی هویت آن‌ها باشد (داون، ۱۹۷۰)، اولویت اصلی آن‌ها خانواده، یعنی نقش همسر - مادری است (هاید، ۱۳۸۴، صص ۲۰۱-۲۰۰)؛ از این رو در اواخر نوجوانی، در حالی که پسران فعالانه در تلاش‌اند تا هویت بزرگسال را در خود رشد دهند، دختران تشکیل هویت را به تعویق انداخته و در صدد حفظ یک هویت انعطاف‌پذیر هستند تا خود را با همسری که هنوز شناخته شده نیست، هماهنگ سازد (همان).

با روشن شدن تمایزهای فیزیکی و روان‌شناختی میان نوجوانان دختر و پسر در مرحله سوم رشد و تحول، این سؤال قابل طرح است که آیا این تفاوت‌ها، در حدی هست که شرع مقدس وظایف و مسئولیت‌های متفاوتی برای دو جنس جعل و تشریح کند؟

دختری که در نه‌سالگی مکلف شده و پسری که در پانزده سالگی یعنی این دوره به سن تکلیف می‌رسد؛ پیش از این در روابط میان آن‌ها مسأله محرم و نامحرم مطرح نبود، اما وقتی پسر پانزده سالگی را به اتمام رساند، با دختری که نه‌سالگی را به اتمام رسانده و از محارم این پسر نیست، شرع مقدس آن‌ها را نسبت به یکدیگر نامحرم قرار داده و جنسیت از نظر فقه اسلامی در همین مسأله دارای اثر بوده و برای دختران و پسران احکام و وظایف متفاوتی را موجب می‌گردد؛ دختر از نه‌سالگی، برای مردان نامحرم، نامحرم شده و بایست حجاب و عفاف را در حضور مردان نامحرم رعایت کند، در حالی که پسر، از پانزده سالگی موظف است از رفتار محرمانه با زنان نامحرم اجتناب کند؛ موی سر دختر را نباید مرد نامحرمی ببیند، در حالی که هیچ اشکالی ندارد که موی سر پسر پانزده ساله به بعد را، زن نامحرمی ببیند؛ دختران از میچ دست به بالا را باید از مردان نامحرم بپوشانند، در حالی که برای پسران اشکالی ندارد که بالاتر از میچ دستش را زنان نامحرم ببینند. در مجموع می‌توان گفت به خاطر جنسیت متفاوت، شارع مقدس وظایف عبادی سخت‌گیرانه‌تری را بر دختران نسبت به پسران جعل نموده است؛ این

وظایف جنسیت محور از طهارت شروع شده تا نماز، روزه و سایر عبادات را دربر می‌گیرد:

✓ وضوء گرفتن زن با مرد فرق دارد، البته هرچند در اصل وضوء گرفتن میان دو جنس تفاوتی نیست، جز در ریختن آب به پشت و روی دست، که مستحب است مردها آب اول را به پشت دست بریزند و زن‌ها بر عکس آب اول را به روی و باطن دست (یزدی، ۱۴۰۹: ۱/۲۰۰)، وضوء گرفتن زن در معرض دید مرد اجنبی جایز نیست؛ هرچند وضوی او صحیح است (مکارم شیرازی، ۱۳۸۵: ۲/۳۴)، در حالی وضوء گرفتن مردها در معرض دید زنان و مردان اشکالی ندارد؛ مبطلات وضوء برای خانم‌ها هشت چیز و برای آقایان شش چیز است (سیستانی، بی تا: ۱/۱۴۰-۱۴۱)،

✓ همچنین در مسائل مربوط به نماز تفاوت‌هایی میان زنان و مردان وجود دارد که فهرست وار اشاره می‌شود: پوشش زنان (پوشاندن تمام بدن حتی سر و مو، غیر از صورت به مقداری که در وضوء شسته می‌شود و دست‌ها تا مچ)، تمام بودن نماز زن اگر بدون اجازه شوهر به مسافرت برود، کیفیت ایستادن زنان در حال قیام (بهم چسباندن پاها)، کیفیت قرائت زنان در نماز (در صورت شنیده شدن نامحرم، نمازهای جهری را باید آهسته بخواند) (تقدسی نیا، ۱۳۸۶، صص ۱۹۱-۲۰۵)، البته شارع مقدس در مواردی تسهیلاتی را هم برای زنان نسبت به مردان قائل شده، مانند جواز زینت کردن به طلا در نماز، پوشیدن لباس ابریشمی، ترک نماز در ایام عادت ماهیانه. در سائر مسائل دیگری مربوط به نماز نیز، تفاوت‌های جزئی دیگری میان دو جنس وجود دارد که برای آگاهی بیشتر به رساله‌های مراجع عظام تقلید مراجعه شود.

✓ تفاوت زن و مرد در احکام روزه: در وجوب روزه، افزون بر شرائط عام برای زن و مرد، پاک بودن از حیض و نفاس برای وجوب روزه بر زن‌ها شرط است؛ برای صحت روزه نیز، نسبت به بانوان دو شرط اضافی وجود دارد: یکی باقی نماندن بر حیض و نفاس تا اذان صبح (در صورتی که پاک شده باشد) و دیگر آن که در تمام روز حیض و نفاس نشود؛

۱. العاشر أن يبدأ الرجل بظاهر ذراعیه فی الغسله الأولى و فی الثانية بیاطنهما و المرأه بالعکس.

۲. ما حکم وضوء المرأه علی مرأی الأجنبي؟ الجواب: لا یجوز، و لکنها إذا توضع صبح وضوءها.

اگرچه مقدار کمی از روز باشد (یزدی، ۱۴۲۱: ۳/ص ۶۱۲-۶۲۱)؛ روزه مستحبی برای زن در صورتی که با حق شوهر مزاحمت داشته باشد، جایز نیست، بلکه حتی با عدم مزاحمت و بدون اذن شوهر نیز، احتیاط در منع آن است (همان، ص ۶۶۲). یکی از اقسام کفاره، متعلق به زنی است که به خاطر مصیبتی که بر او وارد شده، موهای خود را قطع کرده است که باید شصت روز روزه بگیرد و یا یک بنده آزاد کند و یا شصت فقیر را طعام بدهد و همچنین زنی که به خاطر مصیبت، صورت خود را خراشیده که خون خارج شده است و یا موی سر خود را کنده است که باید یک بنده آزاد کند یا ده فقیر را سیر کند یا آنان را بپوشاند و اگر اینها را نتواند باید سه روز پی در پی روزه بگیرد (همان، صص ۶۵۱-۶۵۱) و سایر احکام مربوط به روزه زنان و دختران تازه به تکلیف رسیده، تفاوت‌هایی است میان دو جنس که در منابع فقهی و رساله‌های مراجع بیان گردیده و از ذکر آن‌ها در این رساله به جهت رعایت اختصار خودداری می‌گردد.

از آن‌جا که اکثر احکام فقهی و عبادی با رسیدن دختران و پسران به سن بلوغ و تکلیف شرعی شروع می‌شود و تا پایان عمر ادامه دارند و در مراحل بعدی تفاوت عمده‌ای میان دو جنس در احکام عبادی نیست، به مراحل یادشده اکتفاء نموده و از ذکر مراحل بعدی رشد و همگام سازی آن‌ها با مراحل تربیت عبادی خودداری می‌شود.

حال بر والدین و مربیان اسلامی است که علاوه بر آموزش این وظایف متفاوت به دختران و پسران، در به کارگیری و رعایت آن‌ها در عمل، دختران و پسران نوجوان را یاری رسانند؛ وظایفی که بر پسران و دختران انجام آن‌ها واجب‌اند، بر مربیان مخصوصاً والدین تعلیم دادن آن‌ها به هر کدام از دختران و پسران، واجب و آن‌هایی هم که مستحب‌اند، وظیفه مربیان نیز در حد استحباب تنزل پیدا می‌کند.

نتایج به دست آمده از این پژوهش عبارت‌اند از: (۱) آموزش عبادات واجب و ترک محرمات، وظیفه الزامی والدین است، اما نسبت به آموزش عبادات مستحبی و ترک مکروهات، فقط تکلیف رجحانی دارند؛ (۲) اصل عبادت و پرستش خداوند که هدف خفقت است دو جنسیتی نیست، هر دو جنس به موجب انسانیت‌شان، بایست خالق هستی بخش خود را

پرستند؛ اما به دلیل قابلیت‌های متفاوت فیزیکی و روانی دو جنس، در نحوه انجام عبادات و شرائط کمی و کیفی آن‌ها، تفاوت‌های میان دو جنس وجود دارد که عبارت است از: ۱- در دوره کودکی اول و دوم (تولد تا هفت‌سالگی) تنها تفاوتی که می‌توان گفت در راستای تربیت عبادی است، تأکید بیشتر به آموزش سوره نور برای دختران این دوره و اجتناب از آموزاندن سوره یوسف به آن‌ها است؛ ۲- اساسی‌ترین تفاوت میان دو جنس، در امر عبادت در دوره آموزش ابتدایی (هفت تا یازده‌سالگی) وجود دارد، چرا تا که این زمان انجام عبادات برای هر دو جنس بیشتر تمرینی بود، اما تقریباً در آغاز این دوره دختر (نه پسر) نسبت به عبادات واجب وظیفه الزامی پیدا می‌کند، درست همانند بزرگسالان ملزم به رعایت حقوق و تکالیف الزامی می‌گردد؛ اما پسران هنوز ملزم به انجام تکالیف یا رعایت حقوق الزامی نیستند. ۳- در مرحله نوجوانی (دوازده تا تقریباً بیست و یک سالگی) هر چند پسران نیز همانند دختران در مرحله قبل، ملزم به انجام واجبات و ترک محرمات گردیده و به رعایت حقوق الزامی ملزم می‌شوند؛ اما در نحوه انجام تکالیف و شرائط آن‌ها، میان دو جنس تفاوت‌هایی وجود دارد؛ مانند تفاوت در پوشش و حجاب؛ وضوء گرفتن در معرض دید نامحرم؛ پوشش زن در حال نماز؛ احکام روزه؛ احکام غسل‌های واجب و...، که در متن به برخی از مهم‌ترین آن‌ها اشاره شده است.

فهرست منابع

۱. آریانپور کاشانی، منوچهر، با همکاری بهرام دلگشایی، فرهنگ بزرگ یک جلدی پیشرو آریانپور (انگلیسی - فارسی)، تهران، جهان رایانه، دوم، ۱۳۸۰.
۲. آل راضی، محمد هادی، «سن البلوغ فی المرأة»، فقه أهل البيت (عربی)، سال سوم، شماره ۲، ۱۴۱۷.
۳. ابن ابی جمهور، محمد بن زین الدین، *عوالی اللئالی العزیزیه فی الأحادیث الدینیة*، قم، دار سید الشهداء للنشر، ۱۴۰۵.
۴. ابن بابویه، محمد بن علی. *الخصال*، قم، جامعه مدرسین، ۱۳۶۲.
۵. ابن بابویه، محمد بن علی، *من لا یحضره الفقیه*، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۳.

۶. ابن بابویه، محمد بن علی، *الأمالی*، تهران، کتابچی، ۱۳۷۶.
۷. ابن حیون، نعمان بن محمد مغربی، *دعائم الإسلام*، قم، مؤسسه آل البيت عليهم السلام، ۱۳۸۵.
۸. ابن شهر آشوب مازندرانی، محمد بن علی، *مناقب آل أبی طالب عليهم السلام*، قم، علامه، ۱۳۷۹.
۹. ابن منظور، محمد بن مکرم، *لسان العرب*، بیروت، دار الفكر للطباعة و النشر و التوزيع، بی تا.
۱۰. احمدوند، خلیل و جلیلیان، سیده، «تأثیر و نقش جنسیت در مجازات‌ها»، قانون یار، سال ۵، شماره ۱۹، ۱۴۰۰.
۱۱. اعرافی، علیرضا و موسوی، سیدنقی، *تربیت فرزند با رویکرد فقهی*، قم، مؤسسه اشراق و عرفان، ۱۴۰۰.
۱۲. امامی راد، احمد و مشهدی علی پور، مریم، «آموزه‌های مرتبط با جنسیت در اسلام»، مطالعات فقه تربیتی، سال دهم، شماره ۲۰، ۱۴۰۲.
۱۳. انصاری، محمدعلی، *الموسوعه الفقهیه المیسره و یلیها الملحق الاصولی ملحق تراجم الفقها و الاصولیین*، قم، مجمع الفكر الاسلامی، ۱۴۱۵.
۱۴. برک، لورا، *روان شناسی رشد (از لقاح تا کودکی)*، ترجمه‌ی یحیی سید محمدی، تهران، ارسباران، ۱۳۹۰.
۱۵. برک، لورا، *روان شناسی رشد (از نوجوانی تا پایان زندگی)*، ترجمه‌ی یحیی سید محمدی، تهران، ارسباران، ۱۳۸۹.
۱۶. بستان، حسین، «بازنگری نظریه‌های نقش جنسیتی»، زن در توسعه و سیاست، شماره ۱۴، ۱۳۸۵.
۱۷. پناهی، علی احمد، «نقش‌های جنسیتی زن و مرد در نظام خانواده (مقاله علمی وزارت علوم)»، معرفت بیستم، شماره ۱، پیاپی ۱۶۰، ویژه‌ی علوم تربیتی، ۱۳۹۰.
۱۸. تقدسی نیا، خسرو، *احکام اختصاصی دختران و زنان (مطابق با فتوای سیزده مرجع)*، مؤسسه فرهنگی انتشاراتی ائمه علیهم السلام، قم، مؤسسه فرهنگی انتشاراتی ائمه علیهم السلام، ۱۳۸۶.
۱۹. تمیمی آمدی، عبد الواحد بن محمد، *غرر الحکم و درر الکلم*، قم، دار الکتب الاسلامی، ۱۴۱۰.

۲۰. جوهری، اسماعیل بن حماد. *الصحاح*، بیروت، دارالعلم للملایین، ۱۴۰۴.
۲۱. حاجی بابایی، فاطمه، «*تحلیلی از نگاه اسلام به نقش جنسیت در محتوای آموزش رسمی*»، فصلنامه علمی تخصصی پژوهش‌های نوین در روانشناسی دوره ۳، شماره ۳، ۱۴۰۱.
۲۲. حرعاملی، محمد بن حسن، *هدایة الأمة إلى أحكام الأئمة علیهم السلام*، مشهد، آستانة الرضویة المقدسة، مجمع البحوث الإسلامية، ۱۴۱۴.
۲۳. _____، *وسائل الشیعة*، قم، مؤسسه آل البيت علیهم السلام، ۱۴۰۹.
۲۴. داودی، محمد، حسینی زاده، سیدعلی، و اعرافی، علیرضا، *تربیت دینی (سیره تربیتی پیامبر (ص) و اهل بیت (ع))*. پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۶.
۲۵. دره، محمدعلی، *تفسیر القرآن الکریم و اعرابه و بیانه*، بیروت، دار ابن کثیر، ۱۴۳۰.
۲۶. دهخدا، علی اکبر، *لغت نامه دهخدا*، تهران، مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، ۱۳۷۳.
۲۷. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، *مفردات ألفاظ القرآن*، بیروت، دار الشامیة، ۱۴۱۲.
۲۸. زبیدی، مرتضی محمد بن محمد، *تاج العروس من جواهر القاموس*، بیروت، دار الفکر، ۱۴۱۴.
۲۹. سیستانی، سیدعلی حسینی، *توضیح المسائل جامع*، بی محل، بی نا، بی تا.
۳۰. سیف، سوسن، و دیگران. *روانشناسی رشد (۱)*، تهران، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)، ۱۳۸۰.
۳۱. شریف مرتضی، علی بن حسین موسوی، *رسائل الشریف المرتضی*، قم، دار القرآن الکریم، ۱۴۰۵.
۳۲. شریفانی، محمد و حاجی بابایی، فاطمه، «*نقش جنسیت در محتوای آموزش رسمی و عمومی براساس آموزه‌های قرآن و حدیث*»، نشریه آموزش و پرورش متعالی دوره ۳، شماره ۴، پیاپی ۱۲، ۱۴۰۲.
۳۳. شعیری، محمد بن محمد، *جامع الأخبار*، نجف، مطبعة حیدریة، بی تا.
۳۴. شکر اللهی، مهدی، *تربیت عبادی کودکان در اسلام: با تأکید بر برنامه آموزشی*، قم، مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی (ره)، انتشارات، ۱۳۹۶.

۳۵. شکوهی، غلامحسین، *تعلیم و تربیت و مراحل آن*، آستان قدس رضوی، مشهد، آستان قدس رضوی، ۱۳۸۵.
۳۶. شهید صدر، سید محمد باقر، *الفتاوی الواضحة وفقاً لمذهب أهل البيت عليهم السلام*، بیروت، سید محمد باقر، ۱۴۰۳.
۳۷. صاحب جواهر، محمدحسن بن باقر، *جواهر الکلام* (ط. القديمة)، بیروت، دار احیاء التراث العربی، بی تا.
۳۸. طباطبایی، محمد حسین، *المیزان فی تفسیر القرآن*، بیروت، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، ۱۳۵۲.
۳۹. طبرسی، حسن بن فضل، *مکارم الاخلاق*، قم، شریف رضی، ۱۴۱۲.
۴۰. _____؛ *مجمع البیان*، بیروت، دار المعرفة، ۱۴۰۸.
۴۱. طوسی، محمد بن الحسن، *تهذیب الأحکام* (تحقیق خراسان)، تهران، دار الکتب الإسلامیه، ۱۴۰۷.
۴۲. _____، *التبیان فی تفسیر القرآن*، بیروت، دار احیاء التراث العربی، بی تا.
۴۳. طیب، عبدالحسین، *اطیب البیان فی تفسیر القرآن*، تهران، اسلام، ۱۳۷۸.
۴۴. علم الهدی، جمیله، «جنسیت در تربیت اسلامی»، مسائل کاربردی تعلیم و تربیت اسلامی دوره ۸، شماره ۵، ۱۳۸۳.
۴۵. عمید، حسن، *فرهنگ فارسی عمید*، اول، تهران، راه رشد، ۱۳۸۹.
۴۶. فهرستی، زهرا، «حوزه فقه نکاح و طلاق: بررسی سن بلوغ از دیدگاه فقهی»، پژوهش های فقه و حقوق اسلامی دوره ۸، شماره ۳، ۱۳۸۶.
۴۷. فراهیدی، خلیل بن احمد. *العین*، قم، مؤسسه دار الهجرة، ۱۴۰۹.
۴۸. کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق. *الکافی* (ط- الإسلامیه)، تهران، دارالکتب الإسلامیه، ۱۴۰۷.
۴۹. مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، *بحار الانوار*، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳.
۵۰. محمد معین، *فرهنگ فارسی معین*، تهران، فرهنگ نما، ۱۳۸۷.
۵۱. مشکینی، میرزا علی، *مصطلحات الفقه*، بی محل، بی نا، بی تا.

۵۲. مصطفی، ابراهیم و زیات، احمد حسن، *المعجم الوسيط*، استانبول، دارالدعوه، ۱۹۸۹.
۵۳. مصطفوی، حسن، *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*، تهران، مرکز نشر آثار علامه مصطفوی، ۱۳۸۵.
۵۴. مکارم شیرازی، ناصر، *الفتاوی الجلیده*، قم، مدرسه الإمام علی بن ابی طالب (علیه السلام)، ۱۳۸۵.
۵۵. ملکی، حسن، عباسعلی شاملی، و مهدی شکراللهی، «*تربیت عبادی کودکان*». اسلام و پژوهش های تربیتی سال ۳، شماره ۱ (پیاپی ۵)، ۱۳۹۰.
۵۶. موسوی خویی، سید ابو القاسم، *صراط النجاة (المحشی)*، قم، مکتب نشر المنتخب، ۱۴۱۶.
۵۷. نقوی قاینی، محمد تقی، *ضیاء الفرقان فی تفسیر القرآن*، ۱۸ ج، تهران، ۱۳۹۵.
۵۸. نوابی نژاد، شکوه، *روانشناسی زن*، ویراست ۲، تهران، علم، ۱۳۸۵.
۵۹. نوری، حسین بن محمد تقی، *مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل*، قم، مؤسسه آل البيت علیهم السلام، ۱۴۰۸.
۶۰. هاشمی شاهرودی، محمود، *موسوعة الفقه الإسلامی المقارن (هاشمی شاهرودی)*، قم، مؤسسه دائرة المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت (علیهم السلام)، ۱۴۳۲.
۶۱. هاید، جانت شیلی، *روان شناسی زنان*، ترجمه ی اکرم خمسه، تهران، انتشارات ارجمند، ۱۳۸۴.
۶۲. یزدی، محمد کاظم بن عبد العظیم، *العروة الوثقی (أعلام العصر، مؤسسة الأعلمی)*، بیروت، مؤسسه الأعلمی للمطبوعات، ۱۴۰۹.
۶۳. یزدی، محمد کاظم بن عبد العظیم، *العروة الوثقی (عدة من الفقهاء، جامعه مدرسين)*، جماعة المدرسين فی الحوزة العلمیة بقم، مؤسسه النشر الإسلامی، ۱۴۲۱.
۶۴. یزدیان جعفری، جعفر، «*نقش جنسیت در مجازات مجرم*»، شورای فرهنگی - اجتماعی زنان و خانواده - مطالعات راهبردی زنان، شماره ۴۵، ۱۳۸۸.